

## وضع اسفبار موسیقی در افغانستان

بعضاً که وقت برایم یاری می‌کند، سری به سایت‌های انترنیتی زده و از مطالبی که انتشار می‌یابد استفاده می‌کنم. از جمله چندین مطلب که در یکی از صفحات انترنیتی هفته گذشته انتشار یافته بود، مضمونی تحت عنوان "نگاهی شتابنده بر وضعیت کنونی موسیقی افغانستان" نوشته "رفیق" \* اسماعیل فروغی توجه ام را جلب کرد.

"رفیق" سید اسماعیل فروغی یکی از کارمندان سابق رادیو تلویزیون افغانستان و درعین حال در زمان زمام‌داری رژیم دست‌نشانده شوروی سابق بر علاوه وظیفه اصلی اش وظیفه حزبی نیز داشته و منحنی منشی سازمان اولیه رادیو تلویزیون در بخش نشرات رادیو ایفای وظیفه می‌کرد.

جناب آقای فروغی وضعیت آشفته موسیقی کشور را در نبود نقد سالم و سازنده و بی‌پروایی و بی‌تفاوتی بزرگان و پیشکسوتان عرصه هنر موسیقی دانسته و می‌نویسد که: «کسی نیست تا کم از کم به تشریح این وضعیت آشفته و عوامل و دلایل ایجاد آن پرداخته، راه‌های عملی جلوگیری از سقوط بیشتر در پرتگاه ابتذال را، پیشنهاد نماید.»

من گرچه اهل هنرموسیقی نیستم، ولی یکی از علاقمندان خاص موسیقی خوب بوده و می‌باشم نظر به همین علاقه من به موسیقی بود که سال‌های متمادی در رادیو افغانستان بر علاوه وظیفه اصلی ام در اداره ارزیابی پروگرام‌های رادیو افغانستان به صورت کاملاً افتخاری منحنی پرودیوسر برنامه موسیقی کلاسیک و موسیقی کلاسیک تک‌نوازی کار می‌کردم.

به نظر من چندین عامل باعث آن شد تا موسیقی افغانستان که سال‌های زیاد به اثر زحمت کشی و پشت‌کار هنرمندان و پیشکسوتان مسلکی یعنی استادان اهل خرابات و هنرمندان غیر مسلکی یعنی هنرمندان شوقی و آما تور به اوجش رسیده بود، آهسته آهسته سطح و سویه موسیقی را در افغانستان پائین بیاورد.

– شاید اکثراً هنرمندان و علاقمندان موسیقی با من هم نظر باشند که بعد از کودتای ننگین ثور، شور و شوق غیر منظم در موسیقی پدید آمد، که آن هم با ایجاد فضای اختناق آور سیاسی و بستن و کشتن مردم بی‌گناه از سوی رژیم بر سر اقتدار، عرصه فعالیت‌های هنرمندان تنگ و تنگ‌تر شد. بنام موسیقی، به خصوص در رادیو تلویزیون افغانستان از حالت عادی اش برآمده و با تاسف سیاسی شد و رژیم دست‌نشانده، هنرمندان را مجبور ساخت تا آهنگ‌ها کارگری-حزبی و شعارگونه برای تبلیغ و بقای رژیم بسرایند و همان آهنگ‌های بی‌کیفیت همه روزه از طریق امواج رادیو تلویزیون به خرد مردم بیچاره داده می‌شد.

– شاید علاقمندان موسیقی به خاطر داشته باشند زمانی سطح و سویه موسیقی پائین آمد که موسیقی از تالار رادیو تلویزیون افغانستان، سالون‌های کنسرت، سینماها، رستوران‌ها به روی بازار و پارک زرنگار برده شد. وزارت اطلاعات و کلتور و کمیته مرکزی رژیم دست‌نشانده،

هنرمندان را مجبور ساختند تا در کنسرت های بازاری اشتراک نمایند و آهنگ های به اصطلاح انقلابی بخوانند .

رفیق فروغی در یک قسمت پراگراف پنجم چنین می نویسد :

« طوری که معلوم است ، اساساً از چند سال به اینسوست که ما موسیقی را نمیشنویم بلکه آنرا بیشتر میبینیم . این بدان معنا که موسیقی ما از راه ارایه ی رقص های ناجور زنان و دختران رقص ، بیشتر برای دیدن تولید میشود تا برای شنیدن . »

من با این بخش نوشته آقای فروغی هم نظر هستم ولی یک چیز را نباید فراموش کرد که با تجاوز قشون سرخ شوروی سابق در افغانستان و نصب گروه پرچم به اریکه قدرت از جانب اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سابق، شرایط دیگری در همه ساحات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی افغانستان رونما گردید و موسیقی ما نیز شکلی دیگری به خود گرفت . هنرمندان پرچمی به ستایش از شوروی روی آوردند و شوروی ستایی به حدی رسید که وجیهه رستگار آهنگ " کابل مسکو " را سرود شعر این آهنگ از بارق شفعی یکی از رهبران پرچم می باشد . برخی از هنرمندان ما آهنگ های شانرا با مونتاز رقص های هنرمندان جمهوریت های شوروی سابق یعنی تاجیکستان و ازبکستان ثبت استدیو های تلویزیون افغانستان نمودند . مکس یامونتاز رقص در آهنگ های هنرمندان ما از همان سال ها آغاز گردید. اما منکر یک موضوع دیگر نیستم که در همان زمان زمینه سرود خوانی برای هنرمندان باز شد و یک تعداد هنرمندان ما توانستند بعضی سرود های میهنی نیز بخوانند که قابل ستایش می دانم . هنرمندان حزبی هم سرود های برای " داود ترون " ، " میراکبر خیبر " " بده بیره " سرودند که حالا دیگر زمانش گذشته و قابل نشر هم نیست .

باسرنگونی رژیم دست نشانده و یا بهتر گفته شود بعد از بین رفتن آخرین مهره گروه مردم آزار وستمگر خلق و پرچم یعنی نجیب و روی کار آمدن تنظیم های جهادی سابق بازهم مردم افغانستان روی خوشی و آرامی را ندیده و به اثر جنگ های قدرت تمام هست و بود افغانستان از بین رفت و یا به کشور پاکستان برده شده به نرخ کاه ماش به فروش رسید. در این زمان هنر موسیقی کاملاً مردود شناخته شده ، در وازه های سینما ها ، تیاتر به روی مردم مسدود گردید و هنرمندان نیز از ترس جان راه فرار را در پیش گرفتند و تعداد قلیلی از هنرمندان که در کابل باقی مانده بودند رادیو تلویزیون ایشان را وادار می ساخت که آهنگ بخوانند ولی بدون ساز و نواختن آلات موسیقی . یعنی نوحه گری و عزا خوانی بیش نبود .

بعد از سقوط رژیم تنظیم های جهادی سابق و به قدرت رسیدن طالبان فرهنگ ستیز و زن ستیز، هنر و موسیقی گلیمش از کشور جمع شده فتوا دادند، که موسیقی حرام است و در سراسر افغانستان کاملاً ممنوع اعلام گردید . ما دیدیم که طالبان پاکستانی مشرب و بی فرهنگ آلات موسیقی را شکستاده ، تلویزیون ها و کست های موسیقی را به پایه برق آویزان کردند. خوشبختانه دست طالبان به آرشیف رادیو تلویزیون نرسید و لی با تاسف تعداد از فلم های افغان فلم را به آتش کشیدند.

زمانی که امریکا حامد کرزی را به حیث رئیس حکومت عبوری در افغانستان تعیین نمود ، آن قدر مشکلات پیش رو داشت که اصلاً در باره هنر و موسیقی فکر نکرد و در طول دو دوره ریاست جمهوری تقلبی اش نیز کدام کار ثمر بخشی در قسمت هنر صورت نگرفت . صرف تاسیس انستیتوت

موسیقی بیشتر به ابتکار داکتر ناصر سرمست و با کمک کشورهای کمک دهنده تاسیس گردید. وزارت کلتور نیز نه در بخش سینما و تیاتر و نه در قسمت هنرموسیقی فعالیت چشم گیری از خود نشان داد، خود هنرمندان هرکدام به نوبه خود فعالیت های هنری شانرا بدون پشتوانه دولت به پیش بردند. اکثریت هنرمندان تازه کار هم بدون کدام رهنا و استاد به فعالیت های هنری روی آوردند که ثمره اش را امروز می بینیم. همان سخن استاد محمد حسین سراهنگ یادم آمد که روزی در استدیوی 48 رادیو افغانستان گفت: « هنرمندی که بدون استاد مشق، تمرین و ریاضت به فعالیت های هنری دست می زند، مانند گل های خود رویی هستند که با یک شمال پرپر می شوند.»

این که چگونه می شود وضعیت اسفبار موسیقی کشور در مسیر درست آن برود، کار ساده نبوده بلکه سخت دشوار است. زیرا این کار از قدرت وزارت اطلاعات و فرهنگ به دور است زیرا در قدم اول کدام علاقمندی به این کار ندارد و ثانیاً نمی تواند تمامی رسانه های تصویری و رادیو های شخصی را کنترل کند. امروز تعداد فراوانی تلویزیون ها و رادیوهای شخصی در سراسر افغانستان فعالیت دارند و هر چیزی که دل شان می خواهد می گویند و انتشار می دهند و هر موسیقی که باب ذوق خود شان بود به نشر می رسانند حتی بعضی از تلویزیون ها آهنگ پشتوی که به آواز هنرمندان پاکستانی خوانده شده منحصراً پشتو انتشار می دهند و بیننده نمی داند که همین کانال که می بیند از کجا نشرات دارد از داخل افغانستان و یا آن طرف سرحد.

به نظر من در قدم اول باید رسانه های گروهی چه تصویری و صوتی، در قسمت نشر موسیقی مورد مسلکی داشته باشد که آهنگ ها را قبل از نشر یک بار از نگاه شعر، تصویر بررسی نمایند خوب را از بد سوا نمایند و نگذارند موسیقی های مبتذل و بی کیفیت و فاقد ارزش هنری به نشر برسند. در آن وقت است که هنرمند مجبور می شود به تهیه و ثبت آهنگ های بهتری خوب تر اقدام نماید شاید بسیاری بگویند که سانسور را نمی خواهیم اگر در همین حالت جلو نشر این چنین موسیقی گرفته نشود موسیقی در کشور ما آینده بهتری نخواهد داشت.

.....

\*- " رفیق " را ندرتاً استعمال میکنند. ولی اگر در زمان حاکمیت حزب و موجودیت قوای حامی شان، رفیق گفته نمیشد، آن را اهانت تلقی میکردند. و اگر حالا آقای ... گفته نشوند شاید قهر شوند.